

بن بست در واشنگتن، استیصال در تل‌آویو

گزارش روز



روژانه کریمعلیمی جهانپیشین

در وضعیتی که جنگ علیه ایران وارد ششمین ماه خود شده، بیش از همیشه نشانه‌هایی از استیصال و سردرگمی در دولت تروویستی آمریکا و متحدانش درباره ایران مشهود است. ترامپ متوهم که با رویکرد پیروزی سریع وارد جنگ شد، با محاسبات غلط و ناآگاهی درباره قدرت بازدارنده ایران در باتلاقی گرفتار شده است که برای برون رفت از آن گاهی با ادبیات تهدید و گاهی دروغ‌پراکنی دست‌وپا می‌زند، اما هنوز راهی برای نجات خود از این مهلکه نیافته است. بسیاری از مقامات پیشین دولت ترامپ و تحلیلگران سیاسی چنین وضعیتی را برای دولت تروویستی آمریکا بحرانی عمیق توصیف می‌کنند.

اعتراف به شکست؛ ناآگاهی استراتژیک آمریکا در برابر ایران



چو کنت، از مقامات پیشین دولت ترامپ و رئیس سابق مرکز ملی مبارزه با تروریسم، در انتقادی صریح از جریان جنگ‌طلب واشنگتن، پرده از حقیقتی برداشته که مدت‌ها توسط رسانه‌های جریان اصلی نادیده گرفته شده است. او تأکید دارد که علت اصلی شکست آمریکا در این جنگ، نداشتن درک ابتدایی از ماهیت ایران و بافت سیاسی و امنیتی غرب آسیاست. به گفته کنت، رویکرد افرادی مانند لورا لومر، تنها بازتاب‌دهنده ناتوانی کامل واشنگتن در ارزیابی محیط تهدید است؛ رویکردی که نه تنها توجه آمریکا را از تهدیدات واقعی نظیر داعش منحرف کرد، بلکه خطر «تروریسم بازگشتی» را به داخل خاک ایالات متحده کشانده است. او با اشاره به دوران ترامپ، یادآور شد که حتی در آن زمان نیز تصمیم بر واردنشدن به جنگ تمام‌عیار با ایران، ناشی از درک پیامدهای فاجعه‌بار چنین حماقتی بود؛ چیزی که دولت کنونی آمریکا از آن غافل مانده و با کوشش سپردن به لابی‌های متوهم، خود را به مسلخ برده است.

تنش‌های سیاسی در تل‌آویو: کابوسی نتانیاهو از شورش داخلی



در سوی دیگر میدان، رژیم صهیونیستی نیز که با تکیه بر پشتیبانی واشنگتن وارد این قمار شده، اکنون در آستانه فروپاشی داخلی قرار گرفته است. گزارش‌ها از کنست حاکی از آن است که جایگاه متزلزل بنیامین نتانیاهو با خطر «رای عدم اعتماد سازنده» روبه‌رو شده است. تحرکات نسیم فاتوری، نایب‌رئیس کنست، و تلاش‌های تیم نتانیاهو برای جلوگیری از ریزش نمایندگان حزب لیکود، نشان می‌دهد فضای سیاسی تل‌آویو به شدت ملتهب است. این مسئله نشان می‌دهد رژیم اشغالگر نیز امنیت و ثبات ندارد و هزینه‌های ماجراجویی‌های منطقه‌ای، اکنون دامن‌گیر خود آن‌ها شده است.

سناتورها و واقعیت جنگ شکست‌خورده



دامنه این شکست به کنگره آمریکا نیز کشیده شده است. سناتور جان اوساف با ادبیاتی تند، دولت ترامپ و وزیر دفاع او پیت هگست، را به دروغ‌گویی سیستماتیک درباره روند جنگ متهم کرده است. او به درستی اشاره می‌کند که ادعاهای مکرر از «ناپودی برنامه هسته‌ای» یا «تسلیم ایران»، دروغ‌هایی بودند که فقط برای فریب افکار عمومی آمریکا ساخته شده بودند. درحالی‌که هفدهمین هفته جنگ را پشت سر می‌گذاریم، واقعیت میدانی با آنچه هگست و ترامپ ادعا می‌کردند، فرسنگ‌ها فاصله دارد. علاوه بر این، جهش قیمت بنزین در آمریکا به بیش از چهار دلار، فشار اقتصادی کمرشکنی را بر شهروندان آمریکایی وارد کرده است؛ هزینه‌ای که بابت دروغ‌های دولتمردانشان برای یک جنگ بی‌حاصل می‌پردازند.



عبور غرب آسیا از سلطه‌گری واشنگتن



یکی از شکست‌های دیپلماتیک آمریکا، امضای «توافق مکه» میان ترکیه، عربستان و پاکستان است. دونالد ترامپ در تلاشی مذبح‌خانه سعی دارد این اقدام را با بیانیه‌های توخالی «جسورانه» جلوه دهد و آن را به نام خود مصادره کند، اما واقعیت امر که حتی در واشنگتن پست نیز بازتاب یافته، بی‌اعتمادی عمیق کشورهای منطقه به وعده‌های پوچ آمریکاست. این توافق به خوبی نشان‌دهنده یک مسئله است؛ اینکه دوران یک‌تازی آمریکا در غرب آسیا به سرآمده است و کشورهای منطقه برای تأمین امنیت خود، دیگر به تکیه‌گاه‌های متزلزل غربی تیازی ندارند.

تحسین جهانی از یک اراده شکست‌ناپذیر



در چنین وضعیتی که هیمنه آمریکا در حال فروپاشی است، انور ابراهیم، نخست‌وزیر مالزی، با ادبیاتی متفاوت به صحنه آمد و «ایستادگی، عزم و تاب‌آوری» ایران را در برابر تجاوزات مشترک آمریکا و اسرائیل ستود. این نگاه جهانی به مقاومت جمهوری اسلامی، نشان می‌دهد که الگوی ایستادگی ایران به نمادی برای دیگر ملت‌ها تبدیل شده است.

تکرار دروغ‌های ۶۰روزه و توهمات هسته‌ای ترامپ



در آخرین مورد از جنگ روانی رسانه‌های وابسته به غرب، ادعای «توافق برای تمدید آتش‌بس شصت‌روزه» توسط العربیه مطرح شد که به سرعت توسط مقامات ایرانی و متن تفاهم‌نامه اسلام‌آباد به‌عنوان یک خبرسازی جعلی رد شد. حقیقت این است که هیچ آتش‌بسی در کار نبوده است و آنچه وجود داشت، یک بازه زمانی برای مذاکره بود که بصفا نقض فاحش توافق توسط آمریکا، عملاً موضوعیت خود را از دست داد. جمهوری اسلامی ایران بارها ثابت کرده است که تحت هیچ اولتیماتوم یا فشاری، سیاست‌های کلان خود را تغییر نمی‌دهد. در همین راستا، تکرار ادعاهای ترامپ درباره «ممنوعیت سلاح هسته‌ای برای ایران»، چیزی جز لایوشانی شکست‌های نظامی و سرپوش‌گذاشتن بر ناکامی‌های راهبردی‌اش در برابر اقتدار ایران نیست؛ فریاد‌های توخالی که دیگر نه در منطقه خریدار دارد و نه در داخل آمریکا کسی را متقاعد می‌کند.

ادامه یادداشت

... از همین منظر، تمرکز میانجیگری عمان بر آبراه‌های بین‌المللی و تنگه هرمز قابل توجه است. در عین حال، ایران بر این موضع تأکید دارد که هرگونه ترتیبات جدید باید در چارچوب دستورالعمل‌ها و ملاحظات باشد که از سوی رهبری و نهادهای ذی‌ربط تعیین شده است. پاکستان نیز به‌عنوان میانجی مورد قبول ایران، تلاش می‌کند شرایطی را فراهم کند که در نهایت به خاتمه جنگ منجر شود. مذاکرات و انتقال پیام‌ها در این مسیر به شدت محرمانه دنبال می‌شود؛ حتی بر اساس اعلام رسمی، در این مدت پیام مستقیمی از طرف مقابل دریافت نشده و موضوعات عمدتاً از طریق پاکستان منتقل شده است. در کنار مسائل امنیتی، موضوعات اقتصادی نیز همچنان در این راینزیا مطرح است؛ از جمله وضعیت اقتصادی ایران و مسئله تحریم محصولات پتروشیمی که پیش‌تر قرار بوده در چارچوب توافقات بررسی شود. این مطالبات همچنان پابرجاست و ایران نیز از مواضع خود در این زمینه عقب‌نشینی نکرده است. با این حال، در کنار این روند دیپلماتیک، مجموعه‌ای از تحولات منطقه‌ای نیز باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها تفاهم‌نامه مکه است که درباره آثار و کارکردان می‌توان دوبرداشت متفاوت مطرح کرد. از یک منظر، ممکن است این تفاهم‌نامه با هدف ایجاد سازوکاری میان پاکستان و ترکیه، به‌عنوان ودودرت منطقه‌ای هم‌تراز با ایران، برای جلوگیری از گسترش درگیری و حمله احتمالی به عربستان شکل گرفته باشد. از منظر دیگر، اگر چنین کارکردی برای آن متصور نباشیم، پرسش درباره هدف و ضرورت این سازوکار همچنان باقی خواهد ماند. قرار گرفتن مجموعه این تحولات در کنار یکدیگر، امکان ترسیم یک سناریوی بدبینانه را نیز فراهم می‌کند؛ سناریویی که در آن بار دیگر تخصص و درگیری نظامی شعله‌ور شود، اما این بار در سطحی به مراتب گسترده‌تر و با پیامدهایی شدیدتر برای زیرساخت‌های طرفین. ایران نیز پیش‌تر اعلام کرده است که در صورت هرگونه اقدام نظامی علیه خود، پاسخ متقابل خواهد داد و اهداف کشورهای همراه آمریکا در منطقه را در صورت مشارکت در حملات، اهداف مشروع خود تلقی خواهد کرد.

تجربه درگیری اخیر نیز نشان داد که پاسخ ایران در سطحی انجام شد که طرف مقابل را نسبت به هزینه‌های احتمالی ادامه حملات، به‌ویژه برای هم‌پیمانان آمریکا در منطقه، با محاسبات جدیدی مواجه کرد. در برابر این سناریوی بدبینانه، یک سناریوی دیگر نیز در حال شکل‌گیری است و آن تلاش برای تبدیل آتش‌بس موقت و لغوشده به یک توافق پایدارتر و در نهایت پایان جنگ است. به نظر می‌رسد بخشی از کشورهای اروپایی نیز در این مسیر فعال شده‌اند و تلاش دارند شرایطی ایجاد شود که طرفین بتوانند بر سر مجموعه‌ای از ترتیبات جدید به توافق برسند. در این چارچوب، تحولات جنوب لبنان نیز قابل توجه است. اقداماتی که اسرائیل طی روزهای اخیر در این منطقه انجام داده و درگیری‌هایی که شکل گرفته است، می‌تواند نشانه آن باشد که اسرائیل نسبت به احتمال شکل‌گیری مجدد یک توافق و بازگشت به نوعی آتش‌بس یا پایان جنگ، حساس شده است. با توجه به اینکه ایران همچنان بر برخی شروط منطقه‌ای، از جمله موضوع لبنان، تأکید دارد، ممکن است اسرائیل در تلاش باشد پیش از هرگونه توافق احتمالی، دستاوردهای بیشتری در جنوب لبنان برای خود ایجاد کند؛ به‌ویژه آنکه طی دو روز گذشته رفت‌وآمد‌ها و انتقال پیام‌های محرمانه میان طرف‌های مختلف به سطح قابل توجهی رسیده است و به نظر می‌رسد اسرائیل نیز از احتمال شکل‌گیری چنین روندی مطلع شده است. از این منظر، تحرکات اخیر اسرائیل در جنوب لبنان را می‌توان در چارچوب تلاش برای تثبیت برخی دستاوردهای نظامی پیش از هرگونه توافق احتمالی ارزیابی کرد؛ به این معنا که اگر بار دیگر شرایط به سمت آتش‌بس یا پایان جنگ حرکت کرد، اسرائیل دست‌کم در بخشی از اهداف نظامی مدنظر خود در لبنان به دستاوردهایی رسیده باشد. در این بین، آنچه می‌تواند مسیر تحولات را تعیین کند، نه صرفاً پایان مهلت شصت‌روزه، بلکه نحوه تعریف چارچوب جدید، میزان تضمین‌های مورد انتظار ایران، وضعیت تحریم‌ها، مسائل منطقه‌ای و مهم‌تر از همه، محاسبه هزینه‌و فایده بازگشت به درگیری از سوی طرفین خواهد بود.

تغییرات در مناصب قضایی برای تحرک بیشتر و توسعه عدالت است

رئیس قوه قضائیه در نشست شورای عالی قوه قضائیه، با اشاره به تغییراتی که در برخی مناصب و ارکان دستگاه قضا صورت خواهد گرفت، بیان کرد: طبعاً شماری از مسئولان و مدیران قضایی در دوره اخیر تغییر می‌کنند یا جابه‌جا خواهند شد. این تغییر و جابه‌جایی‌ها برای تحرک بیشتر و تزریق خون بیشتر، در راستای حرکت استوار در مسیر خدمت‌رسانی به مردم است. این جابه‌جایی‌ها نباید به‌گونه دیگری تفسیر و تعبیر شوند. نباید با این اتفاق به‌گونه‌ای برخورد شود که هدفی به جز هدف مدنظر دستگاه قضا حاصل شود. حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای افزود: هیچ دوره‌ای به اندازه دوره اخیر، برای انتصاب‌ها و جابه‌جایی‌ها مشورت انجام نگرفت. در همین راستا، کارگروهی متشکل از نمایندگان همه دستگاه‌های نظارتی و عضویت عناصر



ایران نه‌تنها تجزیه نشد، بلکه قوی‌تر شد

وی با بیان اینکه در یک‌سال گذشته عملیات‌های دشمن برای مقابله با ایران دانه به دانه شکست خورده، ملت ایران مبعوث شده و تلاش‌هایش را از ابتدای انقلاب اسلامی به ناکامی کشانده است، گریزی هم به منطقه زد و گفت: در جبهه مقاومت هم رزمندگان لبنانی عاشوراایی مقابل شش لشکر رژیم صهیونی ایستادند و در عراق خدا به انقلاب اسلامی هدیه الهی داد؛ دشمن شکست خورد و این کشور در مسیر انقلاب تعریف شده است. جانشین فرمانده کل سپاه این را هم گفت که خداوند صدق ملت ایران را دید و نظام جمهوری اسلامی ایران توانست مقابل آمریکا، رژیم صهیونی و ناتو بایستد و نظام جمهوری اسلامی ایران توانسته است در جنگ نظامی، تحریم و محاصره تاب‌آور باشد.

انتظار نداشتیم ایران پایگاه‌های ما را ویران کند

این ژنرال بازنشسته آمریکایی در ادامه تأکید کرد، ما در ویتنام آموختیم که برای یک‌سال در آنجا مستقر بودیم. این خیلی طولانی است. شما خودتان را خسته می‌کنید. این کشتی‌ها، این افراد، این خانواده‌ها اساساً باید برگردند. او با اشاره به توان نظامی و عملیات دفاعی جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوزگری‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی گفت: ما انتظار نداشتیم پایگاه‌های آمریکایی در منطقه که پیش‌تر در آن‌ها نیرو داشتیم، ویران شوند و از بین بروند.

رئیس اسبق ستاد مشترک ارتش آمریکا ضمن انتقاد از تصمیم ترامپ برای استقرار طولانی‌مدت ناوها در جنگ علیه ایران، اذعان کرد که آمریکا انتظار نداشت پایگاه‌هایش در منطقه به دست ایران ویران و نابود شوند. مایک مولن در این باره گفت: طولانی‌مدت ناوهای هواپیمابر امری رایج است، اما در پاسخ به اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مبنی بر اینکه این استقرار به اندازه کافی طولانی نبوده است، باید بگویم که چنین استقرارهایی با این مدت به خدمه آسیب می‌رساند.

در تفاهم اسلام‌آباد چیزی با عنوان مهلت ۶۰روزه نداریم

علی‌صمدی جوان| سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست هفتگی با خبرنگاران به تشریح آخرین تحولات در حوزه سیاست خارجی پرداخت.

اسماعیل بقایی با اشاره به پیگیری وضعیت سه خلبان ارتش جمهوری اسلامی ایران، تأکید کرد این موضوع از همان نخستین ساعات جنگ در دستورکار دستگاه دیپلماسی قرار گرفته است. وی در پاسخ به پرسشی درباره انتشار نامه مربوط به این خلبانان گفت هم‌زمان با تداوم مراودات و رایزنی‌های دیپلماتیک، ایران نگرانی‌ها و مطالبات خود را نیز به‌صورت جدی مطرح کرده است. بقایی افزود: روشن‌شدن وضعیت این خلبانان مطالبه‌ای جدی است. این موضوع در همه جلسات مرتبط مورد توجه قرار گرفته است و تا زمان روشن‌شدن وضعیت سه خلبان مفقود، جمهوری اسلامی ایران از همه ظرفیت‌های دو جانبه، چند جانبه و حقوقی برای پیگیری سرنوشت آنان استفاده خواهد کرد.

وی در بخش دیگری از این نشست، ادعای وجود «مهلت شصت‌روزه»، در تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا را رد کرد و گفت جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه سیاست‌های خود را بر اساس فشار، اولتیماتوم یا ضرب‌الاجل زمانی تنظیم نمی‌کند و تصمیم‌گیری‌ها صرفاً بر مبنای منافع و امنیت ملی انجام می‌شود. آنچه در متن تفاهم‌نامه آمده، فقط یک بازه شصت‌روزه برای گفت‌وگو درباره دو محور «رفع تحریم‌ها» و «موضوع هسته‌ای» بوده است که در صورت نیاز، امکان تمدید آن نیز پیش‌بینی شده بود. سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: به دلیل نقض گسترده و آشکار یادداشت تفاهم ۲۸ خرداد از سوی ایالات متحده فقط چند هفته پس از امضای آن، اساساً هیچ گفت‌وگویی آغاز نشد و به همین دلیل، موضوع مهلت شصت‌روزه نیز منتفی شد. اسماعیل بقایی همچنین از تداوم مذاکرات فشرده ایران و عمان برای تدوین نقشه مسیر تردد دریایی خبر داد و گفت این روند به دلیل ملاحظات امنیتی، تعدد بازیگران منطقه‌ای و کارشکنی برخی جریان‌های مخرب، زمان‌بر شده است.

وی گمانه‌زنی‌ها درباره ورود میانجی‌جی جدید به روند روابط ایران و آمریکا را رد کرد و گفت نقش‌آفرینی کشورهایی مانند پاکستان و قطر در تماس‌های مرتبط با این پرونده، به معنای شکل‌گیری یا پذیرش یک میانجی تازه نیست. اعلام آمادگی برخی کشورهای اروپایی در گفت‌وگوهای دو جانبه برای استفاده از «مساعی جمیله» امری طبیعی است، اما این موضوع نباید به‌عنوان ایجاد سازوکار جدیدی برای میانجیگری میان تهران و واشنگتن تلقی شود. سخنگوی وزارت امور خارجه تأکید کرد چالش اصلی در روابط ایران و آمریکا، نبود میانجی نیست، بلکه به نوع نگاه، محاسبات نادرست و اصرار هیئت حاکمه آمریکا بر رویکرد‌هایی بازی‌گردد که به گفته او بارها شکست خورده‌اند.

